دوشنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۴
شماره ۴۴۶۴
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دانشگاه در آستانه یک زیست‌جهان نوین بر سر یک دوراهی تاریخی ایستاده است

پرسش‌های بنیادین از آموزش عالی در عصر هوش مصنوعی

رضا نقدبیشی
مدیرکل دفتر تحلیل و نظارت بر امور پژوهشی، دانش‌بنیان و فناوری هیئت‌مؤسس

امروز، بر لبه پرتگاه یک دگرگونی بی‌سابقه ایستاده‌ایم. موجی از فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، نه تنها ابزارها که بنیان‌های شناخت ما از جهان، شیوه‌های یادگیری و حتی ساختارهای اجتماعی را دگرگون ساخته است. این تنها یک پیشرفت فناورانه نیست؛ زلزله‌ای است در سرزمینِ دانش و معرفت. آموزش عالی، به‌عنوان قلب تپنده تولید و انتقال دانش، در این برهه حساس، نمی‌تواند تماشاگر یا مصرف‌کننده صرف باشد. سرنوشت آن، نقشی پیشرو در ساخت این جهان نوین است؛ نقشی که نیازمند بازاندیشی ژرف در ماهیت، کارکرد و فلسفه وجودی‌اش می‌باشد. این بازاندیشی، چیزی فراتر از به‌روزرسانی ابزارهاست؛ حکمرانی خردمندانه بر تقاطع دانش، قدرت و فناوری در سپیده‌دم عصری جدید است.

نظام آموزش سنتی، استاد را چراغ‌دانِ حکمت می‌دانست؛ انسانی جامع‌نگر که دانش را در تاروپود تجربه، اندیشه و اخلاق می‌تنید و به شاگردان انتقال می‌داد. این تصویر، بر پایه ایده انسان کامل به‌عنوان محور فرایند دانایی بنا شده بود. اما هوش مصنوعی این نقش را به چالش می‌کشد. الگوریتم‌ها، بر پایه انبوهی از داده‌ها و مدل‌های ریاضی، توانایی‌هایی شگرف در پردازش اطلاعات و حتی تولید محتوای شبه‌انسانی یافته‌اند. آنچه روزی حکمت نامیده می‌شد و ویژه ذهن انسان پنداشته می‌شد، امروز تا حدی در قالب فرایندهای داده‌محور و قابل برنامه‌ریزی تقلید می‌شود.

این تغییر، صرفاً فنی نیست؛ زلزله‌ای است در بنیان‌های معرفت‌شناسی (چگونه می‌دانیم؟) و انسان‌شناسی (جایگاه انسان چیست؟) آموزش عالی. استاد در این زیست‌بوم جدید، دیگر تنها منبع انحصاری دانایی نیست. نقش او به میانجی‌گری میان اقیانوس داده‌ها و قابلیت فهم انسانی تغییر می‌یابد. این جابه‌جایی، بازتوزیع عمیقی در قدرت معرفتی ایجاد می‌کند و پرسش‌هایی بنیادین را درباره معنای آموزش و جایگاه انسان در این فرایند برمی‌انگیزد: آیا ارزش نهایی در دسترسی به اطلاعات است یا در خردورزی و تفسیر آن؟ آیا جایگاه استاد به یک راهنمای فنی در محیط دیجیتال تنزل می‌یابد؟ بسیاری از ساختارهای کنونی آموزش عالی، هنوز بر مدل انتقال یک‌سویه استوارند؛ استاد می‌گوید، دانشجو می‌شنود و حفظ می‌کند. این روش، دانشجو را به دریافت‌کننده‌ای منفعل تبدیل می‌کند و فرصت‌های پرورش تفکر انتقادی، پرسشگری و آفرینشگری را محدود می‌سازد. این مدل، هرچند در گذشته کارایی نسبی داشت، در مواجهه با دنیای پرشتاب و دائماً در حال تحولِ هوش مصنوعی که با سیلاب داده‌ها و تکامل پیوسته الگوریتم‌ها شناخته می‌شود، به شدت ناکارآمد است.

هوش مصنوعی، ذاتاً پویا، انطباق‌پذیر و مبتنی بر تعامل است. پتانسیل آن برای ایجاد محیط‌های یادگیری فعال، مشارکتی، شخصی‌سازی شده و پاسخگو به نیازهای لحظه‌ای، بی‌بدیل است. پرسش کلیدی اینجاست؛ آیا نهادهای آموزش عالی می‌توانند از قالب‌های سلسله‌مراتبی، دیوان‌سالارانه و انعطاف‌ناپذیر خود خارج شوند؟ آیا ظرفیت تحول به سمت ساختارهایی سیال، شبکه‌ای و متمرکز بر یادگیری مادام‌العمر و خلاقیت را دارند؟ پاسخ به این پرسش، سنگ‌بنای هرگونه تغییر راهبردی در سیاست‌های آموزشی و نگرش به تربیت انسان در این عصر است.

هدایت آموزش عالی در عصر هوش مصنوعی، معضلی پیچیده و چندوجهی است. خط‌مشی‌گذاران در تقاطع نگرانی‌های حیاتی قرار می‌گیرند؛ امنیت ملی (حفاظت از داده‌های حساس و جلوگیری از وابستگی مطلق)، حفاظت از حکمت علمی (ارزش‌های نقد، عمق و اصالت در تولید دانش) و مدیریت حکمرانی داده‌ها (مالکیت، دسترسی، اخلاق). وسوسه ساده‌انگارانه، افتادن در دام دوگانه‌های کاذب است؛ یا مقاومت کور در برابر فناوری نو یا تسلیم بی‌قیدوشرط در برابر آن.

اما هوش مصنوعی پدیده‌ای ایستا نیست؛ موجودی زنده و در حال تکامل است که دائماً با داده‌های جدید و محیط متغیر تعامل دارد. حکمرانی مؤثر بر آن نیازمند درکی ظریف از این پویایی و اتخاذ رویکردی منعطف، چندبعدی و آینده‌نگر است. ساختن یک اکوسیستم آموزشی ملی پویا و مبتنی بر هوش مصنوعی، مستلزم تحولی فلسفی در نهاد دانشگاه است؛ بازتعریف هدف آموزش از انتقال دانش به کانون تولید و بازتولید خرد در تعامل خلاق و نقادانه با داده‌ها و فناوری.

جامعه‌ها، به‌ویژه جوامع در حال توسعه، با دوراهی خطرناکی روبه‌رو هستند:

الف) انزوا و عقب‌ماندگی: مقاومت افراطی و ترس‌محور در برابر فناوری‌های نوین که به حاشیه‌نشینی علمی و فناورانه می‌انجامد.

ب) وابستگی و سلطه‌پذیری: پذیرش بی‌ملاحظه و بدون زیرساخت فکری و فنی که به از دست رفتن حاکمیت بر داده‌ها، وابستگی مطلق به فناوری بیگانه و پذیرش نفوذ نرم قدرت‌های فناورانه منجر می‌شود.

این وضعیت، یادآور پدیده‌ای است که در علوم اجتماعی از آن به عنوان کارگو کالت (Cargo Cult) یاد می‌شود. مفهوم کارگو کالت ریشه در مشاهدات انسان‌شناسان از برخی جوامع جزیره‌نشین اقیانوس آرام دارد. این جوامع پس از مشاهده هواپیماهای نظامی در جنگ جهانی دوم که محموله‌های (کارگو) ارزشمندی می‌آوردند، شروع به تقلید ظاهری از نشانه‌های پیشرفت (مانند ساختن باندهای چوبی شبیه فرودگاه، استفاده از بی‌سیم‌های ساختگی) کردند. آن‌ها باور داشتند که انجام این آیین‌ها به‌طور جادویی باعث فرود هواپیماها و آمدن محموله‌ها خواهد شد، بدون آنکه درکی از دانش و فناوری پشت‌پرده این پیشرفت داشته باشند. در حوزه علم، آموزش و فناوری، کارگو کالت به وضعیت خطرناکی اشاره دارد که در آن نهادها و جوامع، صرفاً به تقلید ظاهری از قالب‌ها و نشانه‌های نظام‌های علمی پیشرفته می‌پردازند (مثلاً ساختن آزمایشگاه‌های مجهز بدون پژوهشگران متخصص، خرید نرم‌افزارهای پیچیده بدون درک منطق آن‌ها، کپی‌برداری صرف از برنامه‌های درسی دانشگاه‌های معتبر) بدون آنکه به فهم عمیق مفاهیم بنیادین، نقد مبانی نظری، سازگاری با نیازهای بومی یا تولید دانش اصیل دست یابند. نتیجه این ادراک کارگو کالتی اتلاف منابع عظیم، ایجاد توهم پیشرفت، تشدید وابستگی فناورانه و در نهایت، ناکامی در دستیابی به توسعه واقعی است. چیزی که شاید دهه‌ها در کشور ما به صورت مرتب در حال تکرار است. هوش مصنوعی با ماهیت داده‌محور و پیچیده‌اش، خطر وقوع کارگو کالت را تشدید می‌کند. فناوری می‌تواند به سرعت ظواهر را تسخیر کند، اما بدون استقلال فلسفی (درک عمیق و بازاندیشی انتقادی) و استقلال ساختاری (زیرساخت‌ها، نیروی انسانی متخصص بومی)، این تسخیر به بردگی دیجیتال می‌انجامد. آموزش عالی باید اولین خط دفاع در برابر این پدیده باشد، نه قربانی آن.

بُعدی حیاتی و کمتر مورد توجه در توسعه هوش مصنوعی، نیاز فزاینده آن به انرژی است. مراکز داده عظیم، ابررایانه‌ها و شبکه‌های پیچیده پردازشی، مصرف‌کننده‌های سیری‌ناپذیری از برق هستند. دسترسی به منابع انرژی پایدار، فراوان و مقرون‌به‌صرفه، به یک عامل تعیین‌کننده قدرت در عصر داده تبدیل شده است.

مناطق دارای منابع انرژی غنی (مانند نفت، گاز، پتانسیل‌های عظیم خورشیدی یا بادی) از این منظر در موقعیت استراتژیک بی‌نظیری قرار دارند. این می‌تواند به اهرمی قدرتمند برای توسعه یک زیست‌بوم فناورانه بومی، ایجاد قدرت نرم و کاهش وابستگی تبدیل شود. اما این فرصت، مشروط است. شرط اصلی، پرهیز از الگوی کارگو کالت در حوزه انرژی و فناوری است. صرفاً صادرکننده ماده خام انرژی و مصرف‌کننده فناوری‌های وارداتی مبتنی بر آن باشیم؟ یا با استفاده از درآمد انرژی، زیرساخت‌های تحقیقاتی، نیروی انسانی متخصص و فناوری بومی، هوش مصنوعی را توسعه دهیم؟ انتخاب میان این دو مسیر، سرنوشت‌ساز است.

دو مانع عمده بر سر راه توسعه مستقل هوش مصنوعی در بسیاری از کشورها وجود دارد:

الف) انحصار سخت‌افزاری: تولید تراشه‌های پیشرفته و سخت‌افزارهای محاسباتی قدرتمند مورد نیاز هوش مصنوعی، در انحصار معدود کشورها و شرکت‌های خاص است. این وابستگی، نه تنها چالشی فنی که مسئله‌ای امنیتی و ژئوپلیتیک است.

ب) فرار مغزها و بحران سرمایه اجتماعی: مهاجرت نخبگان علمی و فناوری به دلیل نبود فرصت‌های شغلی مناسب، امکانات تحقیقاتی ناکافی یا نبود فضای علمی پویا، ضربه‌ای مهلک به توسعه بومی است. این پدیده، نشانه عمیق‌تری از یک بحران سرمایه اجتماعی است؛ کاهش اعتماد، ضعف همکاری‌های علمی ملی و احساس بی‌تعلقی به آینده کشور.

این دو چالش در هم تنیده‌اند. وابستگی سخت‌افزاری، توسعه داخلی را دشوار می‌سازد و فقدان فرصت‌ها، مغزها را می‌رانند. خروج از این دور باطل، مستلزم بازسازی اعتماد، سرمایه‌گذاری جسورانه در پژوهش و توسعه داخلی (حتی با محدودیت‌ها) و ایجاد محیطی جذاب برای استعدادهاست. فناوری بدون بستر اجتماعی و انسانی سالم، ریشه نمی‌دواند.

یکی از سرنوشت‌سازترین پرسش‌های پیش‌روی آموزش عالی در این عصر این است؛ هدف نهایی تربیت چه نوع شهروندی است؟ شهروند الگوریتمی: فردی که صرفاً مصرف‌کننده اطلاعات است، طبق دستورالعمل‌های از پیش تعیین شده (حتی اگر توسط هوش مصنوعی شخصی‌سازی شده باشد) عمل می‌کند، قدرت پرسشگری و نقد را از دست داده و به‌راحتی در جریان داده‌ها هضم می‌شود. این مدل، انسان را به کاربری منفعل در سیستم تبدیل می‌کند.

شهروند اندیشمند (منتقد و خلاق): فردی که با وجود استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی، قدرت تفکر انتقادی، خلاقیت، استقلال رأی و حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی خود را حفظ و تقویت می‌کند. کسی که می‌تواند داده‌ها را تحلیل کند، الگوریتم‌ها را به چالش بکشد، دانش جدید خلق کند و در جهت بهبود جامعه از فناوری بهره گیرد. این مدل، انسان را به کارگردان فعال در زیست‌بوم دیجیتال ارتقا می‌دهد.

انتخاب میان این دو الگو، تعیین‌کننده ماهیت آموزش عالی آینده است. آیا دانشگاه‌ها کارخانه‌های تولید نیروی کار مطیع سیستم خواهند بود یا کانون‌های پرورش انسان‌های آزاداندیش و مسئولیت‌پذیر؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم بازنگری ریشه‌ای در برنامه‌های درسی، روش‌های تدریس و فضای کلی دانشگاه است. جهان امروز، نشانه‌هایی از شکل‌گیری یک نظم جدید دو قطبی حول محور داده، انرژی و الگوریتم را نشان می‌دهد. در این فضا، انتخاب میان اطاعت مطلق از یک قطب یا انزوا و مقاومت کور، گزینه‌های نامطلوبی هستند. مسیر سوم، نه پذیرش بی‌قیدوشرط و نه رد مطلق، بلکه خلق یک زیست‌بوم فناورانه مستقل، منعطف و خلاق بر پایه نیازها و ظرفیت‌های بومی است. این مسیر نیازمند:

■ **خردورزی عمیق:** درک پیچیدگی‌های فناوری و جامعه بدون شتاب‌زدگی یا ترس.

■ **جسارت فلسفی:** بازاندیشی در مفاهیم بنیادین آموزش، انسان و جامعه در عصر دیجیتال.

■ **بازسازی ساختاری:** ایجاد نهادها و سیاست‌هایی که از نوآوری بومی و استقلال فناورانه حمایت کنند.

■ **همت ملی:** همکاری و هم‌افزایی میان دولت، دانشگاه، صنعت و جامعه.

این مسیر، هرچند دشوار و پرچالش، تنها راه دستیابی به جایگاهی شایسته در جهان آینده است.

آموزش عالی بر سر یک دو راهی تاریخی ایستاده است؛ یا در ساختارهای کهنه و ناکارآمد گذشته منجمد بماند، یا جرئت کند و فلسفه وجودی خود را در پرتو تحولات شگرف کنونی بازتعریف کند. پرسش‌های پیش‌رو، تنها فنی یا سیاسی نیستند؛ پرسش‌هایی عمیقاً فلسفی و انسانی هستند:

در جهانی اشباع‌شده از داده‌های بی‌کران، جایگاه حکمت و معنای علم کجاست؟

چگونه می‌توان استقلال داده‌ای و امنیت ملی را با بهره‌گیری از مزایای فناوری جهانی آشتی داد؟

در تقابل میان کارایی الگوریتم‌ها و آزادی اندیشه انسان، مرزها کجا تعیین می‌شود؟

پرسش نهایی و ماندگار: انسان در جهانی که به‌طور فزاینده‌ای توسط داده‌ها و الگوریتم‌ها شکل می‌گیرد، کیست و چه می‌خواهد باشد؟

این پرسش‌ها پاسخ‌های ساده و قطعی ندارند. آن‌ها همچون چراغ‌هایی هستند که راه را برای تأملات مداوم، گفت‌وگوهای نقادانه و جست‌وجوی جمعی برای یافتن مسیر پیش‌رو روشن می‌کنند. پاسخ نهایی را نه امروز که تاریخ در بستر زمان و با کنش‌های خردمندانه نسل‌ها خواهد نوشت. سرنوشت آموزش عالی و جامعه انسانی، در گروی چگونگی مواجهه ما با این پرسش‌های بنیادین است.

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۶۰۱۴۰۰۲۹۹۵ مورخه ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم فریبا بساطی کاروانه فرزند حسن به شماره شناسنامه ۳۶۸ صادره از کرمانشاه در شش دانگ ساختمان به مساحت ۴۰۷ متر مربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۳۸ اصلی واقع در کرمانشاه بخش دو حومه به آدرس بخش هلشی کاروانه سفلی خریداری از زارع صاحب نسق آقای احمد شفیعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۴/۱۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۴/۳۱
۱۸۳۹ /م الف / ۱۲
فرشاد نادری - رئیس ثبت اسناد و املاک - از طرف زارع

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در نظر دارد اقلام مازاد و مستعمل خود را به شرح اسناد مزایده در ۴ گروه شامل :
۱) لوازم اداری ، الکترونیکی و آشپزخانه و... ۲) ضایعات فلزی و آهن‌آلات ۳) کاغذ باطله ۴) ضایعات چوبی و غیره را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. لذا علاقه‌مندان به خرید (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) می‌توانند ضمن بازدید از اقلام مربوطه با در دست داشتن فیش واریزی به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سیبا شماره ۰۱۰۵۷۱۷۱۰۵۰۰۷ بانک ملی شعبه دانشگاه بابت خرید اسناد مزایده (جهت هر کدام از اقلام و غیرقابل استرداد) با مراجعه به دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در کرج- انتهای رجایی‌شهر- بلوار شهید موذن- ساختمان اداری طبقه سوم (کمیسیون معاملات) در مزایده شرکت نمایند.
سایرشرایط:
۱- آخرین مهلت بازدید، خرید اسناد، تکمیل و تحویل فرم اسناد و پیشنهاد قیمت، تا ده روز پس از تاریخ آگهی روزنامه می‌باشد. (شرکت‌کنندگان ملزم به تکمیل کلیه ردیف‌های پیشنهاد قیمت می‌باشند.)
۲- کلیه هزینه‌های درج آگهی در روزنامه‌ها و همچنین فضای مجازی به عهده برنده مزایده می‌باشد.
۳- شرکت‌کنندگان در مزایده ملزم به واریز مبلغ سپرده مشخص شده به صورت نقدی به حساب سیبا شماره ۰۱۰۵۷۱۷۱۰۵۰۰۷ یا ضمانتنامه بانکی مطابق اسناد می باشند.
۴- دانشگاه در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات مختار است.
۵- سایر شرایط در فرم اسناد مزایده مندرج و برای تمامی شرکت‌کنندگان الزام آور است.
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

گواهینامه موقت پایان دوره کاردانی در رشته گرافیک اینجانب ندا امیراسمعیل‌زاده فرزند جمال با شماره شناسنامه ۶۵۹۳ صادره از واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک فارغ‌التحصیلی ساجده طوبائی فرزند حسن به شماره شناسنامه ۳۵۹ صادره از اهواز در مقطع کاردانی رشته تحصیلی مامایی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۶۷۹۱۰۶۰۰۰۳۳ مورخ ۱۳۸۶/۳/۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.
از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

گواهینامه موقت پایان دوره کارشناسی پیوسته در رشته حسابداری دولتی اینجانب مریم خادم‌زاده فرزند داود با شماره ملی ۲۹۸۰۷۸۵۷۵۱ صادره از واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی
کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

فراخوان مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای

نوبت دوم

دانشگاه زنجان در نظر دارد امور نگهبانی و انتظامات دانشگاه زنجان برای سال ۱۴۰۴ را از طریق انجام مناقصه عمومی به اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. بدینوسیله کلیه متقاضیان شرکت در مناقصه (دارای گواهی تایید صلاحیت در رشته خدمات عمومی از وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی) می‌توانند از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند. کلیه مراحل برگزاری مناقصه اعم از دریافت اسناد و تحویل اسناد پیشنهادات قیمت و سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار آگهی در سامانه ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ می‌باشد.
الف- شماره مناقصه (مرجع): ...
ب- شماره فراخوان درج شده در سامانه تدارکات الکترونیک: ۲۰۰۴۰۰۳۷۹۸۰۰۰۰۰۵
ج- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: مناقصه‌گران می‌توانند از ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ لغایت ساعت ۱۸ عصر مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۲ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه و نسبت به شرکت در مناقصه اقدام نمایند.
د- مهلت زمانی ارائه پیشنهاد قیمت: تا ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۳
ی- زمان و محل بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ دفتر معاونت اداری- مالی
ه- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: سپرده شرکت در مناقصه شامل ضمانت‌نامه بانکی (مدت اعتبار تضمین‌های بانکی باید حداقل ۳ ماه پس از تاریخ افتتاح پیشنهادها باشد) چک تضمین شده بانکی (به نام دانشگاه زنجان) و یا واریز وجه نقد به مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سیصد میلیون تومان) به شماره حساب ۴۰۰۱۰۸۶۲۰۷۳۷۹۲۷۲ و به شناسه واریز به شماره ۹۹۸۱۲۶۳۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ و به شماره شبای IR ۹۸۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۸۶۲۰۷۳۷۹۲۷۲ نزد بانک مرکزی بنام تمرکز وجوه سپرده دانشگاه زنجان.
تذکر مهم: مناقصه‌گران، موظف هستند پاکت الف را که حاوی ضمانت‌نامه بانکی می‌باشد طبق شرایط درج شده در فرم شرایط عمومی مناقصه به صورت فیزیکی تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ (ساعت ۱۲/۳۰) به مدیریت حقوقی و قراردادهای دانشگاه تحویل نمایند.
شماره تلفن جهت کسب اطلاعات بیشتر با مدیریت امور حقوقی و قراردادها، ۳۳۰۵۲۸۲۶ - اداره خدمات و پشتیبانی ۳۳۰۵۲۲۳۱
روابط عمومی دانشگاه زنجان
شماره شناسه ۱۹۶۸۱۳۸

صدای نخبگان، نگاه جوانان
WWW.FDN.IR
روزنامه فرهیختگان
farhikhteganonline
FARHIKHTEGAN